

# آرایش جنگی در نبرد «بدر»

و تاکتیک «قلاع» متحرک



شدند در جنگ بنی نضیر دیده شد که پیامبر درختان آنها را آتش زد و آنها اعتراض میکردند که چگونه؟ ولی مسئله اساسی تر بود. یک مشت جاسوس بودند که ضربه زده بودند و حالا هم «حصار» داشتند و اینها از یک طرف هم علاقه مادی و تعلقات شدید دنیوی داشتند. بنابراین چاره ای نبود. باید اینها ریشه کن میشدند تا کلک مثنی یهود لجوج جاسوس خان را از بین برود. بناچار یک مقدار از درختان را آتش زدند. و در فتح مکه هم دیدیم که پیامبر چگونه برخورد کردند و شهری که هر لحظه در این بیم بوده که الان پیامبر میخواهند چکار بکنند و چگونه آنها را میخواهند قلع و قمع کنند... دیدید که باچه حساسی و باچه برنامه ای منظم مردم را بدون خون ریزی زیر پرچم توحید درآوردند. جز آن افرادی که لازم بود از بین بروند و خود پیامبر دستور قتل آنها را دادند. که مسائشان را در فتح مکه بررسی می کنیم.

واموال عمومی را از بین ببرند. جز در یک مورد چرا؟ بخاطر اینکه دینی که میخواست برای اعتلای کلمه الله و بخاطر توحید و گسترش عدالت و بیتش وحی باشد و برای حکومت الله تلاش کند. هیچ احتیاجی نداشت کاری را که تا به آن موقع مرسوم بود و دیگران انجام میدادند. آن را انجام بدهد بنابراین گرچه دشمن «این کار» را میکرد. ولی پیامبر انجام نمیدادند. فقط در موردی که مستقیماً به کیان اسلام ضربه وارد میشد و چاره ای نبود جز اینکه آن اثر را از بین ببرند و چاره ای غیر از میادوت پیامبر به این اعمال نبود. چون کیان اسلام در خطر بود. در اینجا وارد عمل می

شروع جنگ بدر

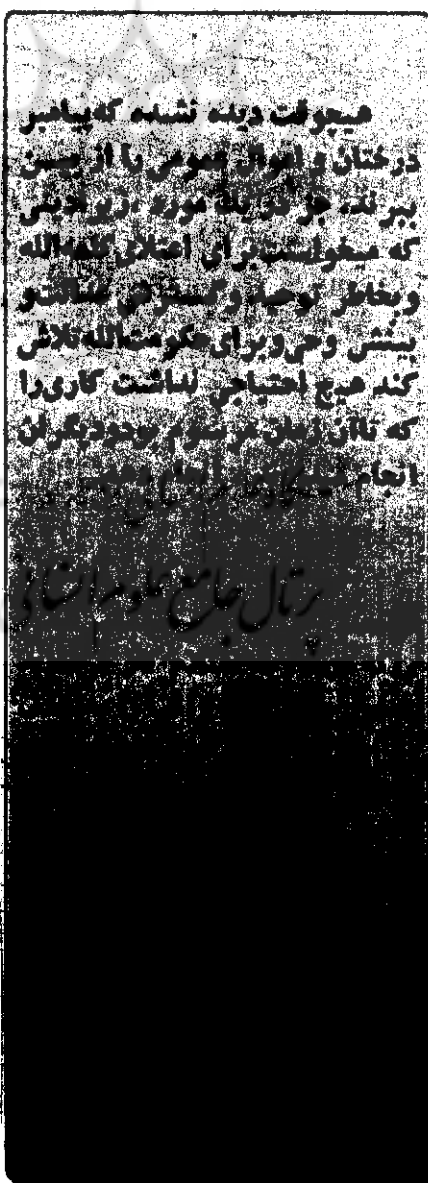
علم تعرض به شهرها و روستاها و جاهایی که به هیچ وجه لزومی نداشت تعرض بدان بشود.

هیچگاه دیده نشده که پیامبر شهری را محاصره کند. فقط در جاهایی که بیان خواهد شد در چند مورد این کار انجام گرفته. هیچوقت دیده نشده که پیامبر درختان

## آرایش جنگی

یکی از مسائلی که بی اندازه توجه مورخین راوحی مستشرقینی را که در تاریخ اسلام کار کرده اند به خود جلب کرده، و آنها را به تعجب واداشته است، «آرایش جنگی خارق العاده پیامبر در جنگها» است که بی نظیر بوده است. سپاه راهر چندانک به گونه ای می آراست که در آن هیچگاه حساب کمیت نبود (حساب کمیت را نمیکرد) همیشه دیده میشد که سپاهی که از مدینه بیرون میآمد، این سپاه می باید در مقابل سه برابر یا چهار برابر خود مقاومت میکرد. چون تکیه و اساس را بر اعتقاد و بنیه معنوی سپاه گذاشته بودند، هیچ وجه دیگر اعتنائی نمیکردند به اینکه حالا نیروی دشمن چقدر میخواهد باشد و از سپاه اندک در تعبیه و آرایش به صورتیک «اهرم» استفاده میکردند. مثلا یک روش جنگی هست که در عربستان معمول نبوده و بعضی مستشرقان که روی تاریخ کار کرده اند، میگویند این از زمان قلیلی پدرا اسکندر مرسوم شد و این رسم از یونان گرفته شده. البته چون نمیتوانستند ریشه و منبع پیدایش آن را پیدا کنند، این بود که مجبور بودند به این اکتفا کنند که بگویند در کجا و جود داشته.

ولی ابتکار پیامبر چه ربطی به یونان داشت؟ اصلا آرایش جنگی یونان در عربستان وجود نداشت و ردی نداشت. ولی چون آنها میخواهند همه چیز را ریشه یابی کنند، هر چه را که موری نداشته باشد، میگویند این باید از غرب و یا فلان نقطه آمده باشد. چون نمیدانند که این از کجا آمده و پیش وحی ندارند و حی را هم که به آن معنا نمیتوانند درک کنند «پیامبر» را هم آنگونه که ما می شناسیم آنها که نمیتوانند بشناسند طبیعی است که یک ریشه موهومی باید برایش پیدا بکنند. می گویند این روشی است که در یونان به نام روش «فالانز» معروف بوده. روش فالانز استفاده از نیروها به صورت اهرمهای قدرت و متحرک قلعه ای بوده است. مثلا فرض کنید افراد سپاه مقابل هم می ایستاد به نحوی که پهلوها بقل هم بود یعنی فرد پهلویش بقل پهلو دیگری بود. روی اینها هر کدام در واقع به سوی دشمن بود بعد اینها میتوانند به صورت دایره، مثلث، مستطیل در بیایند. در واقع دشمن هیچ منفذی برای حمله به داخل این سپاه پیدا نمی کرد. سپاه به صورت یک دیوار متحرک حرکت میکرد. در جنگ بدر پیامبر سپاه را به صورت سه مثلث درآورد که هر مثلث رنگش مشخص بود یکی زرد بود یعنی بر اساس کلاهخودهایشان یا مثلا پرهایی



که بر کلاهخودها نصب کرده بودند، دیگری سبز بود و دیگری با رنگی دیگر. این سه تا به صورت قلاع متحرک از نفوذ دشمن بدون سپاه جلوگیری میکردند و هر زمان که به نیروها دستور حمله داده میشد به صورت سه قلعه، سه دیوار متحرک میتوانست به طور نفوذناپذیر حرکت کند. شما بعد خواهید دید که این سپاه ۳۰۰ نفری در ۲ ساعت کار سپاه ۹۰۰ نفری یا ۱۰۰۰ نفری قریش را ساخت. یعنی با یک حرکت که بسیار قوی و بسیار حساب شده بود با سه پرچم در رأس هر مثلث یکی در دست «مصعب بن عمیر» بود، یکی در دست امام علی (ع) بود و در یک جا هم بدست یکی از انصار.

بعد پیامبر سپاه را سه قسمت کرده بودند تیر اندازان را در صف جلو قرار داده بودند پشت سر آنها نیزه داران را که ستون مقاوم دوم بودند و پشت سر آنها شمشیر داران را. گفته بودند شما اجازه بدهید سپاه حرکت بکند و «آنها» حمله بکنند، وقتی که در تیررس شما قرار گرفتند، بلافاصله باران تیر بر سر دشمن ببارند. دشمن خسته که از ستون اول گذشته، یعنی از زیر حملات تیر، خسته برگشته بلافاصله نیزه داران باید وارد میدان بشوند و خود تیر اندازان در واقع بصورت متحرک به پشت «فالانز» منتقل بشوند. یعنی همینکه کار خودشان را انجام دادند، به صورت انقطاعی صف خودشان را باز بکنند تا نیزه داران از دل صف بیرون بیایند. یعنی در مقابل دشمن قرار بگیرند مرحله دوم، کار نیزه داران بود که سپاه را از نزدیک زیر ضربات بگیرند و پس از اینکه سپاه با نیزه خسته شد، اینجاست که در جنگ تن به تن خود شمشیر داران باید وارد میدان بشوند. یعنی باز اینها باید پشت صف را بگیرند و به صورت یک دایره سپاه دشمن را در میان بگیرند. این است که اینجا جنگ تن به تن بدست شمشیر داران صورت میگیرد. این روشی بود که پیامبر در جنگ بدر بکار بردند. سپاه شرک به وحشت افتاد چون اینها آمدند جلو دیدند که هیچ حرکتی نیست. گفتند که مسلمین حتما ترسیده اند. چون می بینید که هیچ مسئله ای نیست:

در عرب! اصلا همین حرکتی و آرایش نظامی مرسوم نبوده است! گفتند که اینها ترسیده اند میخواهند حمله نکنند ولی به محض اینکه نزدیک شدند در آن نقطه ای که پیامبر گفته بودند در آن نقطه حمله کنید بلافاصله یا تیر باران لولی اینها مات و مبهوت و لژ هم باشیند شدند و با حمله بعضی که قلعه ها متحرک به حرکت در آمدند (یعنی سه مثلث) کار قریش ساخته شد. این ها آرایش های جنگی ای بود که خود پیامبر بکار میبردند بعد در جنگ هجرت روش های دیگری هم بکار برده شد که هر شماره آینده بیان خواهد شد.